



بهمن دهستانی
پژوهشگر فقه مقارن در حوزه علمیه مشهد است
و مدیریت گروه ارتباطات منطقه‌ای
دفتر تبلیغات اسلامی را بر عهده دارد.

فقاہت سنی اقتدارگرایی و توسعه در جهان عرب

بهمن دهستانی

شاید اولین واکنش‌های محافل فقهی و دینی جهان عرب به خیزش‌های مردمی منطقه زمانی روی داد که پای انقلابیون به میدان التحریر قاره باز شد و قلب دنیای عرب درآستانه تحولی شگرف قرار گرفت. تا پیش از آن نه سمت‌وسوی خیزش‌ها چندان روشن بود و نه حاکمان منطقه احتمال وخامت اوضاع را تا بدین حد پیش‌بینی می‌کردند. اما با آشکار شدن ضریب گرایش‌های اسلام‌خواهانه در تظاهرات و تجمعات مردمی، نوعی مقابله مذهبی با این مسأله هم شکل گرفت.

اولین پیوست‌های شرعی و فقهی، از ناحیه علمای عربستان ضمیمه متن رویدادهای مصر و دیگر کشورهای شاهد بحران شد؛ زیرا دستگاه‌های سیاسی و مذهبی این کشور خود را از بزرگ‌ترین زبان‌دیدگان بهار عربی می‌پنداشتند. واکنش علمای سعودی به انقلاب‌های مردمی مصر و تونس تبدیل به یک «جذل فقهی» در طول بیش از یک‌ماه در این کشور گردید. تمام بیان و استدلال این واکنش‌ها و فتاوای تحریم خیزش‌ها، در یک جمله چنین بود: «خروج بر حاکم حرام و موجب فتنه و گسترش هرج و مرج است».

برداشت ناظران سیاسی در ابتدا نسبت به این رویداد آن بود که حاکمیت سعودی از دستگاه مذهبی این کشور خواسته تا در قبال انقلاب‌های مردمی واکنش نشان دهد تا شاید شعله این کارزار کم‌فروغ گردد.

در دیگر سو و در میدان تحریر قاهره، علاوه بر جوانان انقلابی و تحول‌خواه مصر، تمامی احزاب و جریان‌های فکری و سیاسی این کشور در میدان حاضر بودند اما «جامعه الأزر» از بزرگ‌ترین و نام‌دارترین نهادهای علمی و دینی اهل سنت که خود را مرجع الهام‌بخش مسلمانان جهان معرفی می‌کند همچنان در کنار «مبارک» ایستاده بود.

«الأزر» با آن که نماد و نماینده دین‌داری دولتی و یا هوادار حاکمیت در مصر به‌شمار می‌آمد اما تاریخ و اعتبار این حوزه بزرگ تعلیمات اسلامی و داعیه‌دار مرجعیت دینی اهل سنت سراسر جهان، آن را در مقابل آزمونی دشوار قرار داده بود. این در حالی بود که در بیش از نیم قرن گذشته ریاست الأزر توسط رئیس‌جمهور مصر تعیین می‌گردید و بودجه آن هم از ناحیه دولت تأمین می‌شد؛ آن چنانکه دکتر احمد الطیب بعد از سرنگونی مبارک در اقدامی نامدین آخرین چک حقوق ماهیانه خود را به خزانه دولتی مصر واریز کرد تا شاید سرآغازی برای قطع وابستگی این نهاد مذهبی و استقلال آن باشد. اما این بزرگ‌ترین حوزه فقهی اهل سنت هم با صدور چندین بیانیه شدیدالحن، تظاهرات خیابانی و تجمع در میدان تحریر قاهره را مصداق «خروج بر حاکم» و «اسباب فتنه داخلی میان مسلمین» عنوان داشت؛ بدون آن که اشارهای به لزوم رعایت عدل از ناحیه دستگاه حاکم داشته باشد.

بررسی تمام واکنش‌های علمای دینی و محافل فقهی جهان عرب چه در عربستان به عنوان کانون اسلام سلفی و بنیادگرا و چه در مصر و الأزر به عنوان نماینده اسلام میانه‌رو و اعتدال‌گرا نشان می‌دهد این واکنش‌های دینی

۲. فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، ج ۱، مدخل آزادی آموزشی، ترجمه مقاله از مهرداد ایرانی‌طلب.

۳. برای بررسی تاثیر ایدئولوژی بر علم در دوران آلمان هیتلری، به‌طور نمونه، توجه به جزئیات وضعیت فیزیکی در آن دوره جالب توجه است. این وضعیت در سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۳۴ یا ۱۹۳۳-۱۹۴۵ پدیده‌ای است که در تاریخ علوم جدید بسیار اهمیت دارد. نازی‌ها دو نژاد آریایی و نازیایی می‌شناختند. هرآنچه به نازیایی‌ها متعلق بود، اعم از تصورات و افکار اجتماعی یا علمی، زشت بود. هرکس نیز که افکاری مشابه نازیاییان داشت، یا از نتایج علمی کار آن‌ها حمایت می‌کرد، نازیایی‌منش یا یهودی‌منش، تلقی و طرد می‌شد. ایران ۱۴۲۷، رضا منصوری، ص ۶۶.

۴. توماس کوهن می‌نویسد: علم به جای منطق نقادی، منطق هم‌رنگی با جماعت و محافظه‌کاری داشته است. ادوار اغتشاش و آشوب عمومی در علم خیلی کوتاه و اندک بوده است. حد فاصل این ادوار، دوران‌های پیوستگی تقریباً یک‌نواخت علم به نظام‌های فکری همگانی یا سرمشق‌هاست. علم متعارف، سازش‌کار و محافظه‌کار است. علم انقلابی در دوران‌های آشوب پدید می‌آید. جستارهایی در فلسفه علم، سید علی حقی، ص ۱۵۰.

۵. ساختار انقلاب‌های علمی، توماس کوهن، ص ۱۸۵.

۶ (در جوامع مدرن) خشونت ساختاری در زمینه تحقیقات علمی و در تعلیم و تربیت نیز آشکار است. معارضه و مسابقه فکری میان مکتب‌های مختلف اندیشه‌گری به‌صورت رقابت‌های سیاسی درمی‌آید و منجر به انحصاری شدن خشونت قانونی و مشروع می‌شود. که در همه انواع دولت‌ها، موسسات و رویه‌های آموزشی، از جمله آن‌ها که به‌وسیله اکثریت دموکراتیک ساخته شده‌اند، اعمال می‌گردد. «مقاله جای جامعه مدنی در بافت‌های اسلامی، محمد ارکون در مجموعه مقالات جامعه مدنی در جهان اسلام، چشم‌اندازهای معاصر، ترجمه فریدون بدره‌ای، ص ۵۹».

۷. فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، مدخل آزادی آموزشی، دیوید فیلمن، مهرداد ایرانی‌طلب.

۸. یکی از نتایج فرعی بررسی توماس کوهن، نمایش این واقعیت است که پیشرفت علم نیز مانند سیر تحول دیگر جریان‌های معنوی، تنها تابع عوامل درون‌باقتی همچون منطق و اندیشه‌پردازی خلاق عقلایی نیست؛ بلکه گاه به شکل تعیین‌کننده‌ای از عوامل برون‌باقتی همچون نیازهای فنی و فشارهای اقتصادی و سیاسی تاثیر می‌پذیرد. این نیز یکی از نقاط تمایز نظریات کوهن با اندیشه‌های پوپر است که نقش فن‌شناسی را در پیشرفت علوم چندان جدی نمی‌گرفت. ساختار انقلاب‌های علمی، مقدمه، ص ۵۱.

منابع

ارکون، محمد (۱۳۸۴) مجموعه مقالات جامعه مدنی در جهان اسلام، چشم‌اندازهای معاصر. ترجمه فریدون بدره‌ای.

حقی، سیدعلی (۱۳۸۷) جستارهایی در فلسفه علم. قم: بوستان کتاب. فوکو، میشل (۱۳۸۷) دانش و قدرت. ترجمه محمد ضیمران، تهران: هرمس.

فیلمن، دیوید (۱۳۸۵) فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، مدخل آزادی آموزشی. ترجمه مهرداد ایرانی‌طلب.

کوهن (کوهن)، توماس (۱۳۸۳) ساختار انقلاب‌های علمی. ترجمه عباس طاهری، تهران: نشر قصه.

منصوری، رضا (۱۳۸۷) ایران ۱۴۲۷. تهران: طرح نو.

فیلمن، دیوید (۱۳۸۵) فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، مدخل آزادی آموزشی. ترجمه مهرداد ایرانی‌طلب.

تا هنگامی که مرزهای تاکنون درنور دیده دانش بشر شناخته و سنجیده نشود، سخن گفتن از تولید دانش جدید و گشودن مرزهای دیگر آرزویی بیش نخواهد بود. این شناخت و سنجش هرگاه فراتر از ادعا و آرمان، واقعیت بیابد، خود مقدمه‌ای برای فهم نارسایی‌هایی فعلی بشر می‌شود. کرسی‌های آزاداندیشی این ظرفیت را دارد که فاصله ما با وضعیت مورد انتظار را مدام به ما گوشزد کند.